



هیچ دانش تجربی بی نیاز از معرفت متافیزیکی نیست

حجت الاسلام پارسانیا گفت: هیچ دانش تجربی بی نیاز از سایر علوم و بی نیاز از معرفت متافیزیکی نیست.

حجت الاسلام پارسانیا گفت: هیچ دانش تجربی بی نیاز از سایر علوم و بی نیاز از معرفت متافیزیکی نیست.

به گزارش خبرنگار مهر، نشست تخصصی آسیب شناسی نظریه های علم دینی و اسلامی سازی معرفت با موضوع «بررسی رویکرد آیت الله جوادی آملی» روز گذشته با سخنرانی حجت الاسلام پارسانیا در جامعه المصطفی العالمیه برگزار شد.

حجت الاسلام پارسانیا در ابتدای این نشست گفت: طرح علم دینی در جهان اسلام یک حادثه متاخر به عنوان مسئله نه به عنوان مصداق علم دینی است. هیچ گاه چپستی علم دینی آنطور که امروز در مواجهه با علم مدرن قرار گرفته، مطرح نبوده است.

وی ادامه داد: پرسش هایی که در مورد علم مدرن پیش می آید پرسش های جدیدی است و اصل سوال با این جدیت مطرح نشده است. در قبال این سوال پاسخ هایی داده می شود که خود این پاسخ ها آسیب هایی داشته است. البته آسیب شناسی این پاسخ ها بی سابقه نیست.

پارسانیا گفت: طرح مسئله در صورت جدید از سال ۱۹۷۸ در نشستی در مکه مطرح شد. این نشست توسط مکی ها برگزار نشد بلکه مسلمانانی که خارج از کشورهای عربی بودند مثل اسماعیل فاروقی و نقیب عطاس از عوامل اصلی آن بودند. دیگران هم در مصر به صورتی این مسئله را مطرح کردند که حسن حنفی از جمله آنان بود. او می گوید ما غرب را همواره در چهره سیاسی اش می شناختیم و غفلت می کردیم که در چهره علمی آن را نیز بشناسیم. لذا به مسئله علم مدرن توجهی وجود نداشته است.

وی ادامه داد: بعد از گذشت ۱۰۰ سال مواجهه سیاسی با غرب، مواجهه با بعد علمی غرب برای ما مسئله است و باید نسبت خود با این مسئله را بسنجیم. در این مواجهه علم دینی فهم می شود.

پارسانیا افزود: پاسخ به این سوال در جاهای مختلف جهان اسلام پاسخ های مختلفی پیدا می کند. مثلاً رویکرد عطاس و فاروقی با یکدیگر متفاوت است. عطاس رویکردی عرفانی و فاروقی رویکردی ظاهرگرایانه و اشعری دارد. پاسخ هایی که به علم دینی داده می شود پاسخ های بسیار متکثری است که این فضا را برای گفتگو بوجود می آورد.

وی ادامه داد: یکی از آسیب هایی که وجود دارد توقیفی بودن علم دینی است و علم متوقف می شود به آنچه پیامبران گفته اند. لذا از این منظر هر چه از ایشان نقل شده، علم است و فقط آنچه انبیا گفته اند را علم می شمارند و باقی را شیطانی می دانند.

پارسانیا گفت: یکی از آسیب ها قول به تعطیل است و بشر را در حوزه هایی از دانش معطل می گذارد. مفوضه و معتزله چنین قولی دارند. تفویض در اینجا ناظر به نقل و عقل است که وقتی عقل با نقل مواجه شود و تعارض پیدا کند، این تعارض به خدا واگذار می شود.

وی افزود: رویکردهایی که این آسیب ها را دارند رویکردهای نقل گرا و ظاهر گرا هستند که یا تعطیل عقل لازم می آید و یا تفویض. در این حالت تعامل بین عقل و نقل برقرار نمی شود و امر به خدا تفویض شده و تاویل و تفسیر با قرائن عقلی محکوم می شود.

پارسانیا گفت: آسیب دیگر در تفسیر علم دینی از منظر پست مدرن رخ می دهد که نسبیت حقیقت لازمه آن است و منجر به تکثرگرایی معرفت علمی و تقلیل علم به حوزه تاریخ و فرهنگ می شود و هویت تاریخی به علم داده می شود.

وی ادامه داد: در نگاه پوزیتیویستی علم از مواجهه حس با جهان خارج پدید می آید. کافی است دخالت ذهن را بیرون کنیم تا به معرفت ناب برسیم و این نه شرقی و نه غربی و نه دینی و نه غیر دینی است. بر این اساس علم دینی نمی توانیم داشته باشیم چرا که باید همه انگیزه های دینی کنار گذاشته شود و از راه حس و تجربه به شناخت بپردازیم.

وی افزود: بعد از اینکه رویکردهای تجربی با نوعی اضمحلال درونی مواجه شد، این مسئله زمینه را برای تفسیرهایی از علم دینی به وجود آورد که به فرهنگ غیر دینی باز می گردد.

وی گفت: علم مدرن یعنی تفسیرهای تجربی مدرن حاصل از رنسانس که با زمینه فرهنگی بعد از رنسانس همراهی دارد و در آنجا علم سکولار است.

پارسانیا گفت: آسیبی که این مدل ها را تهدید می کند این است که دیگر نمی توان در علم دینی صدق و کذب داشته باشید و به نسبت فهم کشیده شده و به قیمت مرگ علم تمام می شود. علم یک هویت فرهنگی و تاریخی پیدا می کند و قیاس ناپذیر می شود. این علاوه بر اینکه به گفتگوی جهانی علم آسیب می زند بر دین هم آسیب می زند. وقتی شما صدق و کذب نداشته باشید باورهای دینی نمی توانند از خود دفاع علمی کنند.

وی با طرح این سوال که نظریه علم دینی آیت الله جوادی آملی چگونه از آسیب های موجود بیرون می آید گفت: در مورد عقبه این نظریه باید گفت این نظریه به رغم اینکه نوآوری هایی دارد به شدت عقبه و زمینه تاریخی نیز دارد. عقبه کار آیت الله جوادی آملی حکمت اسلامی است، آنچه بین رویکرد اشعری و رویکرد فلسفی به لحاظ تاریخی وجود داشته است.

پارسانیا گفت: ظرفیت های حکمت صدرایی فرصتی برای تبیین بهتر ایجاد می کند و نظریه آیت الله جوادی از این استفاده می کند. در این دیدگاه به این دلیل که علم یک برساخته فرهنگی، تاریخی و اجتماعی محض نیست و صرفا یک کنش اجتماعی نیست و ارزش شناختاری دارد، علم در ذاتیات خود دین نهفته نیست و به دینی و غیردینی متصف نمی شود.

وی ادامه داد: علم یک نور است و امری است که حقیقت را می تواند نشان دهد. اتصاف آن به دینی و غیر دینی بودن با نگاه به ذاتیات آن ممکن نیست.

وی افزود: انسان به حسب ذات، نه موجود است و نه معدوم. امر دیگری غیر از انسان وجود دارد و آن هستی است و موجود بودن و یا عدم با آن مفهوم می یابد. لذا حیثیت قیدی لازم است تا علم به دینی یا غیر دینی متصف شود. آیت الله جوادی علم دینی را با حیثیت های مختلف به کار برده اند.

پارسانیا افزود: یکی از این حیثیت ها به لحاظ موضوع علم است که اگر موضوع دانش شما دین بود، گفته می شود این علم دینی است و اگر موضوع غیر دین بود، این علم غیر دینی می شود. این تفکیک در تاریخ سابقه داشته است.

وی ادامه داد: بشر آن موقع که عالم را محل حضور خداوندگاران می دانست و اساطیری به عالم نگاه می کرد، تفسیری دینی از عالم داشت ولی وقتی بشر به عالم طبیعت نگاه می کند این دیگر علم دینی نیست.

پارسانیا گفت: حیثیت دیگر که می توان با آن تفکیک ایجاد کرد به لحاظ متافیزیک یک علم است. در حوزه حکمت اسلامی علم به دانش طبیعی محدود نمی شود. مدرن ها و پست مدرن ها هر دو دعوای مشترکی دارند و آن این است که هر دو تعریف کنتی از علم دارند که کنت علم را علوم تجربی دانست و غیر آن را فلسفه نامید.

وی ادامه داد: در حکمت اسلامی بحث در مورد علوم واقعی عبارت از علم است چه تجربی باشد و چه غیر تجربی. در جهان اسلام فلسفه همان علم است. علم تجربی و علم حسی بی نیاز از معرفت های علمی غیر حسی نیست.

وی گفت: فیزیک همواره به معرفت های متافیزیکی متکی است که آن معرفت ها ممکن است غلط یا درست باشند که اگر غلط بود فیزیک نیز با غلط سیستماتیک مواجه می شود. هیچ دانش تجربی بی نیاز از سایر علوم نیست، خصوصا از معرفت متافیزیکی بی نیاز نیست. هیچ دانش جزیی، بی نیاز از پاسخ های پیشینی نیست.

پارسانیا افزود: اگر متافیزیک شما توحیدی باشد علوم جزئی شما الهی می شود. لذا علم دینی علمی است که در کانون آن یک متافیزیک الهی وجود داشته باشد. به این ترتیب علم دینی یا غیر دینی بودن متصف به متافیزیک می شود که این متافیزیک نیز خود علم است.

وی ادامه داد: چون این رویکرد علم را در معنای تجربی خود محدود نکرده به آفت پست مدرن ها گرفتار نمی شود که وقتی علم به متافیزیک متکی شد به نسبت کشیده شود.

پارسانیا گفت: یک حیث دیگر به لحاظ روش است. علم به حسب روش به دینی بودن یا غیر دینی بودن می تواند متصف شود. لذا سوال این است که روش چگونه است؟

وی ادامه داد: روش مسیری است که از مبانی طی می شود. اگر قائل باشید تنها شناخت از عالم از طریق حس و تجربه، یا عقل، وحی، نقل و... است هر کدام یک روش متفاوت است.

وی گفت: صورت دیگر به لحاظ تجویزی است. دین می گوید این علم را فرا بگیرید یا فرا نگیرید. به لحاظ ارزشی آیا ارزش های دینی این علم را تجویز می کنند و یا نهی می کنند؟ و یا دین از بعد تجویزی این علم را تجویز کرده و یا نکرده است.

پارسانیا گفت: حیثیت های قبل برخی با هم تلازم دارند. علم ممکن است به لحاظ موضوع دینی نباشد ولی به لحاظ تجویزی دینی باشد. سوال این است که هر علمی ولو با یک متافیزیک درستی تولید شده باشد آیا به لحاظ تجویزی هم توصیه شده است؟ مثلاً در آیه قرآن داریم «ولا تجسسوا» لذا این امر تجسس به لحاظ تجویزی نهی شده است. علمی که نافع باشد ضرورت دارد. اما علمی که ضرر دارد به چه دلیل باید آن را آموخت؟ انفع المعارف توحید و معرفت نفس است.

وی ادامه داد: علم به لحاظ عالم نیز می تواند به دینی و غیر دینی متصف شود. اگر عالم متدین باشد، علم دینی است و اگر عالم ملتزم به دین نبود، علم نیز غیر دینی می شود. بر این اساس دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که رفتارهای خلاف شرع نداشته باشد.

وی افزود: آیت الله جوادی نسبت به این مسئله منتقد است. هر چه رفتار را کنترل کنیم دلیل بر این نیست که علمی که خواننده می شود دینی باشد و از افق رفتار عالمان نمی توان گفت که علمی که در آنجا درس داده می شود اسلامی یا غیر اسلامی است. علم به متافیزیک و روش اش باز می گردد و تا آن درست نشود علم دینی محقق نمی شود.

وی ادامه داد: بین عالم و علم دینی تناسب وجود دارد اما با یک نگاه دقیق تر. علم باید با معرفتی از یک متافیزیکی برخوردار باشد که با اعتقاد عالم سازگار باشد. صرف اینکه رفتار عالم دینی باشد نمی توان نتیجه گرفت جامعه دینی شد. داشتن هنجارهای دینی بد نیست اما این امر نباید کار را تمام شده بدانیم.

پارسانیا گفت: وجه دیگر حیثیت تاریخی، تمدنی و فرهنگی است که در آثار آقای جوادی به این مسئله کمتر پرداخته شده اما این ظرفیت در صحبت های ایشان وجود دارد. ممکن نیست نظام علمی پمپاژ کننده فرهنگ سکولار باشد ولی خود فرهنگ دینی داشته باشد.

وی در پایان اظهار داشت: اگر نگاه شما دینی بود که همه عالم صحنه فعل و مشیت خداست و شیء از این جهت شیء است که تحت مشیت خداست، در این منظر همه علوم دینی خواهد بود. فیزیکدان اسماء و صفات فعلیه را شناسایی می کند و همه علوم طبیعی علم دینی می شوند.

وی ادامه داد: اما همه علوم انسانی به لحاظ موضوع دینی نیست. چون در علوم انسانی در مورد هستی هایی صحبت می کنیم که با اراده انسان اداره می شود و ممکن است با عصیان با اراده خدا اداره شود.

وی افزود: علم به شریعت و یا علم به ولایت معصوم علم دینی است اما علم به ولایت طاغوت و علم حقوق بشری که به دنبال خدا نیست، غیر دینی است. یعنی اگر در مورد حقوق و مقرراتی بحث می کنند که مطابق شریعت نیست به لحاظ موضوع این علم، دینی نیست. لذا علوم انسانی بخشی دینی و بخشی غیر دینی است.